

# ایران شناسی- ژاپن شناسی

## اشاره:

کتاب ماه تاریخ و جغرافیا تاکنون ویژه‌نامه‌های متعددی در مباحث مختلف تاریخی و جغرافیایی ارائه کرده است. به منظور توسعه و تنوع این ویژه‌نامه‌ها در نظر است در مواردی که عملاً امکان داشته باشد مباحث خارج از قلمرو فرهنگی ایران یا مرتبط با آن نیز مورد توجه قرار گیرد. به همین منظور تهیه ویژه‌نامه‌هایی درباره هند و آفریقا با همکاری چند تن از همکاران محقق در دست بررسی است. خوشبختانه تهیه ویژه‌نامه‌ای در خصوص ژاپن به لطف همکاری محققان ایرانی و ژاپنی خاصه محقق پرآوازه دکتر هاشم رجب‌زاده سریع‌تر از موارد دیگر آماده انتشار شد. لذا تهیه این نوع ویژه‌نامه‌ها با موضوع «ژاپن» صورت تحقق پذیرفت. امید است تجربه این کار تا آن اندازه مفید و موفق باشد که باز هم شاهد ویژه‌نامه‌هایی دیگر از این دست باشیم.

### ایران شناسی

و بطور کلی عطف توجه اهل تحقیق و فرهنگ به ایران سابقه‌ای طولانی دارد. محققان مغرب‌زمین چند قرن است که در مجموعه شرق‌شناسی خویش، ایران‌شناسی را نیز مدنظر داشته‌اند. انگیزه‌ها و نتایج کار آنان نیز تاکنون مورد بحث و بررسی‌های بسیاری قرار گرفته است که در اینجا ضرورتی به تکرار آنها نیست. در مجموع مفهوم ایران‌شناسی که مراد از آن نگاه از بیرون به ایران آن هم به مقتضای دانش و فن غربیان است امروزه به درجه‌ای از پذیرش رسیده که ایرانیان نه تنها استتکافی در برابر این واژه و نتایج علمی آن ندارند بلکه خود نیز در این عرصه گام نهاده‌اند. اگرچه تا رسیدن به وضعیتی بومی شده برای ایران‌شناسی هنوز فاصله داریم، اما به نحوی قابل توجه تحقیقات ایرانیان در باره ایران و تحقیقات ایران‌شناسی غربیان با یکدیگر نزدیک شده است. هرچند نمی‌توان این دو را از یک ماخذ دانست اما تقریب مضامین و روش‌های علمی در این راستا سهم بسزایی را نشان می‌دهد. در این میان موقعیت و حتی موفقیت ژاپنی‌ها نکته‌ای درخور توجه و گاه درخور تعجب و تحسین است. صرفنظر از تولد ایران‌شناسی ژاپنی‌ها که در روزگار خوش‌بینی رو به تزاید ایرانیان نسبت به ایران‌شناسی (غربیان) صورت وقوع یافته، باید توجه داشت که ایران‌شناسی ژاپنی‌ها را باید پدیده‌ای جوان دانست. هرچند آنان از تجارب چندین قرن اخیر در زمینه ایران‌شناسی بهره می‌برند اما پیشرفت کار آنان به گونه‌ای است که می‌توان گفت مصداق طفلی را دارند که یک شبه ره صدساله پیموده است. عمر ایران‌شناسی ژاپنی‌ها را به نیم قرن نیز به درستی نمی‌توان رساند اما در همین مدت سخت پرتلاش و پرتکاپو بوده و پیشرفتهای قابل ملاحظه‌ای نیز داشته‌اند. ذکر نیم قرن اخیر برای ایران‌شناسی ژاپنی‌ها بدان معنا نیست که اشاره به صرف آشنایی ژاپنی‌ها با ایران داشته باشیم. آشنایی آنان با ایران در همان قرن نوزدهم به حدی بوده که با اعزام ماسهارو یوشیدا درصد برقراری پیوندهای دیپلماتیک با ایران برآمده‌اند. اما مبتنی بر مطالعه و تحقیق شدن آگاهی آنان از ایران عمر چندانی ندارد. حتی قسمت مهمی از توجه آنان به ایران در مجموعه مطالعات خاورمیانه‌ای بوده است نه ایران‌شناسی بطور خاص. این درحالی است که ایرانیان هم به دلیل مسائل بین‌الملل و هم متعجب از پیشرفتهای ژاپن، از صد سال پیش با کنجکاوی به ژاپن نگرسته‌اند. پیروزی ژاپنی‌ها در جنگ ۱۹۰۴-۱۹۰۵ بر روسیه تأثیری مستقیم بر ایران داشت و در وقوع مشروطه ایران (۱۹۰۶ م.) موثر بود. نیز ایرانیان مشتاق ترقی، ژاپن را نمونه‌ای از امکان ترقی ملل شرق دانستند. این نکات تا بدان حد از تأثیرگذاری را داشت که حتی ستایش‌نامه‌هایی نیز برای امپراتور ژاپن از جانب ایرانیان موسوم به میکادونامه فراهم آمد. بدین جهت می‌توان گفت ژاپن‌شناسی ایرانی‌ها بر ایران‌شناسی ژاپنی‌ها تقدم دارد. اما امروزه درحالی که از رشد ایران‌شناسی ژاپنی‌ها سخن می‌گوییم برای ایرانیان چیزی به نام ژاپن‌شناسی، رشد و پیشرفتی را نشان نمی‌دهد. حتی می‌توان گفت نه تنها تحقیقات مربوط به ژاپن که مطالعات ساده درباره آن نیز توسعه‌ای درخور توجه ندارد.

باید توجه داشت که ایران‌شناسی ژاپنی‌ها با این واقعیت همراه بوده است که آنان تاکنون تحقیقات خود را با انتخاب مضامین مشخص و جزئی صورت علمی داده‌اند و از طرح‌افکنی‌های عام درباره تاریخ و فرهنگ ایرانی به دور بوده‌اند. لذا تردیدهایی را موجب شده‌اند. درواقع آنان در چهارچوب شناخته شده جهان ایرانی تحقیق کرده‌اند. همچنین ژاپنی‌ها در ایران سابقه‌ای از استعمارگری ندارند. این دو مسئله موجب شده است تا ایران‌شناسی آنها توأم با پیچیدگی و معضلات، آنچنان که برای بعضی کشورهای غربی شاهد بوده‌ایم نباشد. اینکه ژاپنی‌ها خود شرقی‌اند و این خود تاحدودی حس کنجکاوی ما برای شناخت مطالعات ایران‌شناسی آنها را برمی‌انگیزد.

بدون شک ژاپنی‌ها در میان ملل شرق جای خاصی دارند. آنان پیش و بیش از همه ملل شرق صنعتی شده‌اند. در معادلات جهانی صدساله گذشته مشارکت داشته‌اند و اکنون نیز تنها کشور شرقی عضو گروه کشورهای

### صنعتی

هستند. اطلاع بر چگونگی پذیرش مدرنیسم و سرنوشت

سنن ژاپنی‌ها در این خصوص، نحوه بازسازی ژاپن پس از جنگ، نظام آموزش

و پرورش... مورد علاقه همه مردم مشرق‌زمین و بطور کلی جهان سومی‌ها بوده است. اما

علیرغم نیاز دیگران (جهان سومی‌ها) به شناخت ژاپن این بیشتر ژاپنی‌ها بوده‌اند که به شناخت دیگران

از جمله ایران اقدام کرده‌اند. آنچه‌انکه ایران‌شناسی ژاپنی‌ها اکنون خود مقامی خاص دارد. درحالی که شرق‌شناسی

از جمله ایران‌شناسی در دست غربیان بوده، شرق‌شناسی در یک کشور شرقی (منظور ژاپن) چه ویژگی خاصی دارد و

وجه مشخصه آن کدام است؟ نمی‌توان گفت که ژاپنی‌ها سبک خاصی را در این زمینه دارا بوده باشند بلکه فقط به رویکردهای تحقیقی

آنان می‌توان توجه داشت. چنانکه گفتیم آنها مدت‌ها مطالعات ایرانی را در مجموعه مطالعات خاورمیانه‌ای خویش دیده‌اند. شکی نمی‌توان

داشت که ژاپنی‌های نیازمند نفت خاورمیانه و مرتبط با بازارهای تجاری و صنعتی آن، همواره به خاورمیانه به عنوان یک کل نگریسته و آنرا

مجموعه‌ای همبسته و با مسائلی بهم پیوسته دانسته‌اند. نیز ژاپنی‌ها با مطالعه درباره راه ابریشم با مطالعات ایرانی مرتبط شده‌اند. اما سابقه این

مطالعات و بخصوص در رابطه با ایران، به مطالعات مغول‌شناسی آنان می‌رسد. ضرورت مراجعه به منابع ایرانی در مطالعات مغولی را باید یکی از نخستین

علل توجه دانشمندان ژاپنی به ایران دانست. مطالعات راه ابریشم (خشکی) خیلی زود رقیبی جدی در دریاهای جنوب آسیا یافت. مسیری که ژاپنی‌ها

علاقه‌مندند آن را راه ابریشم دریایی بنامند یکی از نتایج این مطالعات اهمیت یافتن هرچه بیشتر هند در دانش ژاپنی‌ها بود. اما نتایج مطالعات دریایی آنان بدون

شک برای ما ایرانیان بسیار مهمتر از مطالعات راه ابریشم (خشکی) خواهد بود. زیرا مطالعات مربوط به اقیانوس هند در ایران بسیار کم مورد توجه قرار گرفته

است. زمینه‌های مشترک همکاری مطالعاتی ایران و ژاپن چه در مسیر زمینی راه ابریشم و چه مسیر دریایی آن بسیار قوی است. اما متأسفانه یا ژاپنی‌ها علاقه‌ای

به انعکاس تحقیقات خود در ایران نداشته‌اند یا محققان و مترجمان ایرانی در این خصوص کوتاهی کرده‌اند. البته باید توجه داشت که آثار ژاپنی‌ها که به زبان و خط

ژاپنی است تا حدودی بهره‌گیری ایرانیان از آنها را غیرممکن یا مشکل می‌سازد. لازم به تذکر می‌دانم که ایران‌شناسان ژاپنی در مجامع ایران‌شناسی حضوری رو

به رشد داشته‌اند و در مطالعات صفویه‌شناسی یا ایران معاصر کوشا بوده‌اند. اهتمام به نسخ خطی اعم از گردآوری یا تصحیح نیز هر روز پیشرفت بیشتری را نشان

می‌دهد. دانشجویان و جهانگردان ژاپنی نیز در ایران افزایش داشته‌اند. با همه این احوال ایران‌شناسی در ژاپن دانشی جوان به شمار می‌آید و ایرانیان اکنون این

فرصت را دارند که در شکل‌گیری علایق ژاپنی‌ها در این زمینه موثر واقع شوند. گسترش علوم و تحقیقات در ایران معاصر زمینه اصلی چنین توانایی برای

ایرانیان را فراهم ساخته است. در قرن نوزدهم ایرانیان از چنین امکانی برای تعامل با ایران‌شناسی غربیان برخوردار نبودند. در نتیجه تحقیقات غربیان درباره

ایران اساساً بر مدار خواست و نظر آنان شکل گرفت. اما اکنون شرایط تازه‌ای است و ایرانیان لازم است با وقوف بر توانایی‌ها و امکانات جدید خویش

پذیرای این موقعیت تازه باشند. این موقعیت تازه همانا توانمندیهای علمی و تحقیقی و در همان حال ضرورتها و نیازهای فرهنگی و آن هم در سطح

بین‌المللی است، ایران به عنوان شاخص‌ترین کشور غرب آسیا از نظر سوابق تاریخی و تمدنی و غنای فرهنگی لازم است جایگاه ویژه خود را

در مقیاس منطقه‌ای و جهانی مدنظر قرار دهد. در همان حال ژاپن به عنوان شاخص‌ترین کشور شرق آسیاست. تعامل فرهنگی میان

این دو قطب فرهنگی مهم آسیا می‌تواند شرایط و عرصه‌های نوینی از همکاری‌های قاره‌ای و حتی جهانی را به نمایش بگذارد.

بدون شک مقدمه این مهم توسعه و تعمیق شناخت متقابل است. لذا امید می‌رود این ویژه‌نامه تجربه‌ای در این راه باشد.

آنچه در این شماره از نظر خوانندگان عزیز می‌گذرد بدون شک گویای تمامی دانش‌طرفین از یکدیگر نیست

و فقط بخشی از آن را شامل می‌شود که در حد توان و امکانات محدود فراهم آمده است. با این

امید که بتوان ویژه‌نامه‌هایی غنی‌تر را فراهم آورد.